

یدالله کآدی

- * زمین مال خداست، اما بهره مالکانه اش را «ارباب» می گیرد.
- * معلم، نقاشیم را «صفر» داد، چون گربه ها را بی چشم و رو کشیدم.
- * برای رسیدن به «آزادی»، باید از میدان «انقلاب» گذشت!
- * برای این که حرف های «بودار»! نزنم، مرتب آدامس می جوم.
- * کیف خالی پولم، دق مرگ شد!
- * تا حرف زدم «تابلو» شدم.
- * فکرم به جایی نرسید، چارپایه زیر پایم گذاشتم.
- * چون چیزی نداشتم، بخورم، «دلخور» شدم!
- * چون حرف هایم «پخته» نبود، خامخواری را شروع کردم.
- * بوتیمار، برای دریا، اشک تمساح می ریزد.
- * برای اینکه حراجم را واقعی نشان دهم، «آتش به مالم زدم».
- * با سیب سرخ، دستش را جُلاق کردم.
- * مُجرمان، امنیت را در نبود پلیس می دانند.
- * گل شیبوری، شیبور بیدارباش بهار است.
- * وقتی خودمو به «کوچه علی چپ» زدم، گم شدم.
- * برای این که زندگی را شیرین کنم، قند خونم رفت بالا.
- * گرم شبتاب، هر شب قهوه می نوشد تا خوابش نبرد.
- * مغزی مدادم، قصه های شیرین می نویسد.
- * ماست فروش تابلو زده بود که: «از ماست که بر ماست»!
- * بالاخره یک روز دیگ و دیگچه روسفید میشن.
- * آینه ام تغییری در رفتارش نمی دهد.
- * نمی دانم چرا در آخر پائیز به گربه ام مشکوک می شوم.
- * روزگارم تیره و تار است، ولی از چشمم ستاره می پرد.
- * چشمم «تار» می بیند، هوس آهنگی کرده ام.
- * با کبریتی که روی آن نوشته بود، «بی خطر»، آتش به مالم زدم.
- * نمی دانم چرا سایه ام سر پا نمی ایستد!
- * جاده و ماشین، مرا در «دست انداز» دست انداختند.
- * رادیو زیر آواری از حوادث جان داد.
- * نگاهش آتشی نی فروخت و من با آرزویی خام، سوختم.
- * وسعت غم دریا را، فقط «بوتیمار» می داند.
- * برای این که «آسمانش» را بگیرم، ستاره بارانش کردم.

کاریکلماتور



کاریکلماتور، کلمه ای ترکیب یافته از کاریکلماتور و کلمه است که احمد شاملو این نام را برای اولین بار بر برخی از نوشته های «پرویز شاپور» نهاد.

تولد کاریکلماتور در ۲۱ خرداد ۱۳۴۴ در نشریه «خوشه» به سردبیری احمد شاملو بود. اولین کتاب کاریکلماتور را انتشارات «نمونه» چاپ کرد در سال ۱۳۵۰ که در برگیرنده طرح ها و نوشته های شاپور از سال ۳۷ تا ۵۰ بود.

کاریکلماتور، خون تازه ای در رگ های طنز ایران دواند. مادر پرویز شاپور می گفت: «۶۰ سال بچه بزرگ کردم، یک کلمه حرف حسابی از دهانش نشنیدم.» ولی همین حرف های باحساب شاپور که با اسم «کاریکلماتور» از مجموعه ها و جُنگ های هنری و ادبی سر در آورد، از بهترین و طنزانه ترین ستون های این مجلات بود.

به قول عمران صلاحی، کوتاهترین خط را برای طرح و کوتاهترین کلمه را برای طنز به کار می گیرد.

پس از این مجموعه ها بود که نویسندگان دیگری وارد چنین عرصه ای شدند و اندیشه های خود را به آزمون گذاشتند.